

راه نجات

برادران اسلام! از بربادی و ذلت دارین محفوظ و مومن بودن را صرف یک راه نجات است به الله تعالی عز و جل و محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم بصدق دل ایمان آوردن و ایمان خود را از هر قسم آلودگی نجاست شرک مکمل پاک و صاف گردانیدن و تا خاطر زندگی بطریق نبوی عمل صالح اختیار نمودن و در فیض تبلیغ دین حق را بوضاحت تمام آدا کردن و این سخن بانیست بلکه ارشاد حق تعالی است. وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِنَّ الَّذِيْنَ أَمْنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَكَانُوا صَوَابًا وَكَانُوا صَوَابًا الصَّابِرِينَ ترجمه: قسم است بزمانه. همه نوح انسانیت و نقصان و خساره اند. بغیر آنکه ایمان آورده و اعمال صالح اختیار نموده و تبلیغ دین حق آدا کرده و راه حق پیش آمده مصائب و آلام را بصبر و تحمل و رزیده دیگران را نیز بصبر تلقین کرده باشند. توجه خاص نگه دارید که در عقیده خرابی اندک و معمولی جرم ناقابل معافی است علاوه ازین تفصیلات اعمال انشاء الله تعالی قابل معافی خواهد شد. فرمان الهی است که گناه شرک هرگز قابل معافی نیست ماسوائے شرک هر خرابی اعمال را برائے کسی که میخواهد معاف خواهم کرد در حدیث قدسی است اگر کسی روی زمین را پراگناه کرده لیکن بحالت شرک موت او واقع نشده الله تعالی در برابر گناه و معصیان بعبود و رگزد رطایق خواهد شد (مسلم) در تواریخ دنیا هر چند اقوام که تباہ و برباد گشته اصل خرابی آن شرک بود و موجوده قوم مسلم نیز باعمال شرک در قعر ذلت و نامرادی سرنگون افتاده اند. قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّشْرِكِينَ (سورة روم آیه ۴۲) ترجمه: بایشان گفته که سیر زمین کرده نظر دارید که پیش از شما یان بیایس اقوام دنیا بملکات حسرتناک انجامیده بوجوب آنکه اکثریت آن مشرکان بودند. الله تعالی گواه است که بکناز ذلت و بربادی این ملت را راه نجات یکے است که پُر خلوص بپدر دین قوم باجتماع صدائے حق بلند کرده بعوام انکس واضح گردانند که زندگی دینائے فانی چند روزه است و در حصول کامیابی اخرت کوشیدن و فکر عقبی را بر دنیا مقدم داشتن اصل مقصد حیات است بطریق منت نبوی صلی الله علیه و سلم عمل پیرا بوده اول الامر از گندگی شرک عقاید و اعمال خود را پاک و صاف نموده بضرط المستقیم توحید الهی گامزن شوند تا بیک دنیا دهر خرابی دراصل

شرک است برائے حفظ و امان ازین همه انواع شرک را دانستن نهایت ضروری است
 از ان همه ایک شرک فی الذات است - قوم یہود و عری علیہ السلام را و قوم نصاری
 عیسی علیہ السلام را ابن اللہ قرار داده و اولاد از اختلاط نطفہ مادر و پدر بوجود می آید و قطعہ از ذات
 مادر و پدر میباشد بچنین شرکین عرب ملائکہ او خیر ان اللہ پیدا شد و حصہ ذات الہی دانستہ معتقد
 بودند کہ بقرب محبت و لذت اختیارات لامحدود و سپردایشان کردہ باوصاف (دانا) دہندہ
 و تنگبر مشکل کشا حاجت روا - غریب نواز و غیرہ موسوم ساختہ بر آستان و درگاه آن پرستش و جبین
 سائی نمودہ باواز و ندائے آہ و فغان حاجات براری طلب می کردند و نذر و نیاز و منت آن کردہ گمان میبردند
 کہ معروضات مایان در پیش اللہ تعالی رسانیدہ و سفارش کردہ شرف قبولیت ممکن ساختہ بر بنائے محبت
 اللہ تعالی را بہ تبدیل فیصلہ مجبور گردانند متعلق این عزم عظیم شرک ذات اللہ تعالی میفرمودہ کہ بعینہ نیست کہ شوق
 زمین و شکست آسمان واقع شود از بد قسمتی بیشتر است سلمہ امروزہ دانستہ یا نادانستہ باین قسم شرک مبتلا بودہ
 ذات اللہ تعالی را از نور ذات نبی آخر الزمان را قطعہ از ذات نور الہی دانستہ اند حالانکہ در قرآن کریم بفرمان
 الہی لَیْسَ کَمِثْلِہ شَیْءٌ بمثل اللہ تعالی هیچ چیز نیست دیگرے نیست نور و تاریکی ہر دو مخلوق و فانی بودہ
 و اللہ تعالی را مخلوق و فانی گمان بردن ارتکاب ظلم عظیم است بحکم الہی وَ لَکُمْ یَکُنْ لَّہُ کُفُوًا اَحَدٌ -
 اللہ را ہمسو ہم ذات نیست بمثل شرک ذات در صفات اللہ تعالی مخلوق بندگان او را شرک
 ہسیم میگردد اینکہ بانکہ اللہ تعالی عالم الغیب بہر چیز ہر وقت بہر جا علیم و بصیر بودن صفت اوست بر خلاف
 این متعلق دیگران معتقد اند کہ آن ہمہ از دور و نزدیک اندہ و ناظر بودہ مرید متعلق پیر خود و دیگران نبی صلی اللہ
 علیہ وسلم و اولیاء و شہداء را غیب ان تصور کردہ میگویند کہ آن از ہمہ حالات مایان ہر وقت با خبر می باشد
 در مشکلات از دور و نزدیک آواز استندائے حاجات شنیدہ امداد میکنند از نذر و نیاز مایان علم داشتہ و خوش
 بودہ داد و دہش میفرمایند در اصل شرک فی العلم بنیاد ہمہ اعمال شرکانہ است اگر کسی را شک و
 شبہ در دل آید کہ بانکہ آواز میدہم غیبی حاضر یافت شدہ مردہ و از نذر و نیاز و ندائے طلب حاجات
 لا علم و بے خبر اند پس هیچ کس نذر و نیاز و آواز و ندا برائے حل مشکلات بآن نخواہد داد بدینہ شرک صفت علم
 اشراک در تصرف و قدرت و اختیار اللہ تعالی در ہمہ اطراف عالم و وسعت یافتہ متعلق دیگران معتقد
 اند کہ کمی بیشی رزق - شفا ئے بیماری و دادن اولاد مشکل کشائی و حاجت روائی صفات آن بودہ
 قدرت و تصرف و اختیار میدارند و برین عقیدہ باطلہ بوم و گمان غیر اللہ را دہندہ دستگیر

مشکل کشا غوث و غریب نواز نامزد ساخته و آواز برائے حاجت روائی داده نذر و نیاز آن میکنند و این عمل در قدرت و تصرف و اختیار الله تعالی شرک است. **شترک فی الدعاء** هر که ماسوائے الله تعالی متعلق دیگرے گمان برده و اعتقاد داشته که از هر مقام همه وقت سمیع الدعاء بوده داد و بخش در اختیار و تصرف اوست و بوقت مشکل آواز داده و طالب مشکل کشائی میشده بزعم و گمان خود ثابت میکند که موصوف از الله تعالی زیاده با اختیار و طاقت و راست و بآن مشکلی که الله تعالی مبتلا ساخته بخاتم و نجات ازان قدرت کامل میدارد و چنان زور آورد با اختیار است که اگر الله تعالی اراده مشکل کشائی کسے نمی باشد موصوف بر حاجت روائی و مشکل کشائی اختیار کلی میدارد و بغیر الله آواز داده ثبوت میدهد که اصل مالک است و کشادین است چرا که غلام بوقت حاجت به مالک و افاقه خود آواز میدهد. الله تعالی در قرآن کریم نبی محمد صلی الله علیه و سلم را میفرماید اعلان کن که من (بوقت حاجت) الله تعالی را آواز میدهم و کسے دیگرے را در دعاء و اندا شریک اونمی کنم (سوره جن آیه ۲۰) باینگونه هر غلام صرف مطیع و فرمانبردار حکم مالک خود میباشد و بقانون او پایبند بوده خلاف آن هر یکے را طاغوت و دشمن خود میدانند علاوه ازیں در همه بلاد عالم **شترک مالی و بدنی** مردی گشته جان و مال که عطیة الهی است و منسبان اوست که توانائی عطیة جان و مال خالص در راه الهی صرف کرده در اوقات خوشنودی و افرودی مالی متاع و رزق و اولاد مشکوره و ممنون رب العالمین بوده بهمال خود امداد و فراوانی و مساکین و نذر و نیاز الله تعالی کرده باشند ماسوائے الله تعالی بنام دیگرے نبی و شهید نذر و نیاز کردن آن را بمنزله منعم و محسن خود قرار دادن و عبادت مالی موجب شرک است بآنکه نذر و نیاز عبادت است در کتاب الله به چهار مقام نذر و نیاز غیر الله را بشرک منسوب کرده و در شکل خورد و نوش از گوشت خنزیر نجس و حرام تر قرار داده است و همین معامله عبادت بدنی است الله تعالی بهمکه بندگان خود حکم فرموده که حسب استطاع برائے ادائیگی انواع رسوم بندگی عازم بیت الله گردیده طواف خانه کعبه رکوع و سجود استعدائے مغفرت و مشکل کشائی باه و زاری تلبیه با و از بلند بوسه بچهره اسود قربانی ذبیحه سعی صفاد مرده و ادائے خیرات مسکج به اشتیاق قلوب عبادت الهی و توحید خالص است و علاوه ازیں آستانه و درگاه دیگرے نیست لیکن بخلاف حکم الله تعالی موجوده است مسلمة قبور حرام که متعلق آن نبی صلی الله علیه و سلم فرموده که پنجه ساختن قبور و تعمیر عمارات و نشستن مجاوران بران سخت منوع است از سنگ و خشت پنجه ساخته و بنائے عمارات بران کرده مجاوران نشسته بمنزرات و آستان و درگاه موسوم گردانیده برائے بندگی و پرستش آن دعوت عام میدهند با طراف عالم در هر مقام اینگونه کعبه بائے

نقلی بوجود آمده پرستش و بندگی آن بالکل مطابق رسوم کعبه الله اختیار کرده اند هر سال بمثل
یوم حج بیت الله یوم عرس مقرر گردیده بجائے احرام قید برهنه سر و برهنه پائے بمقابلہ لَبَّيْكَ
اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ آواز و نعره با هو حق با هو بیشک با هو بمثل غلاف کعبه انتظام غلاف قبر بحسب
بوسه حجر اسود، بوسیدن اطراف سنگ قبر، در بدله طواف کعبه طواف قبر بجائے ملزوم هم آغوشی
در دیوار مقبور، رکوع و سجود عبادناجست از حجره تا مقام قبر بطور سعی حق صفا و مروءه ادا کرده می شود
بعوض آب زمزم آب مغسوله قبر را تبرک میدانسته بجائے نذر صدی ذبح کعبه الله قربانی گو سفند و شتر
بقیر همراه می آرند، الغرض باطراف جهان شہت نموده و نمائش و پرستش کعبه هائے نقلی رائج الوقت گردیده و
انچه بیشتر بطرف آن روان دوان بوده این عمل شرک را کار ثواب تصور کرده اند حالانکه در قرآن کریم الله تعالی
نذرو نیاز و آواز دهنندگان انبیاء و اولیاء را دشمنان آن قرار داده و فرموده که آن از حالات دنیا بیچ علم و
خبر نمی دارند و چون بروز قیامت از جانب الله تعالی اطلاع یابند اعدائے پرستان خود بوده انکار و تکذیب
کنند. (سوره احقاف آیه ۲۶) هم چنین شرک و میل در بلاد عالم شعله زدن است چونکه الله تعالی به هر چیز و هر حاجت و
خیالات قلوب واقف و عالم بوده راه راست دعا و انداشنیده فیصله صادر میفرماید و بر مخلوق خود
از مادر و پدر مهربان در حیم تر است حکم فرموده که آنچه می خواهید از ما طلب دارید خدا این هر مشکل کشائی
و حاجت روائی در قبضه قدرت ما است بوقت دعا اسماء حسنی (بهترین نام ذات و صفات)
مارا برائے تو به رحمت من ذریعه گردانید. وَلِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی فَادْعُوهُ بِهَا
ر (الاعراف ۱۸) ترجمه: الله تعالی را اسماء حسنی است بذریعه آن از الله تعالی دعا
کرده باشید پس اگر کسی بجائے اسماء حسنی الهی نام نبی یا ولی بزبان آورده میگوید که بعد از محبت این
نبی و ولی دعائے من قبول فرموده گویا آواز بهترین نام ذات و صفات الله تعالی ذات نبی و ولی را زیاده
موثر و مفید میدانند. و این قول نه صرف مخلوق را با الله تعالی شریک ساختن بلکه مرتکب شدید توہین و
تحقیر الله تعالی میگردد. در وقت موجوده مطابق دور جاہلیت عرب پرستش در آگاه قبور طواف
رکوع سجود نذر و نیاز و سعت پذیر است از اہل قبور استعاره کرده می شود که بشغائی بیماری و پیدایش
اولاد و مشکل کشائی حاجت بطور منت و نذرانه ہدیہ فلان چیز سے را پیش خدمت آورده ممنون و مشکور
خواہم شد. اگر آن را ازین عمل زشت منع کرده گفته شود که در قرآن کریم الله تعالی اہل قبور بالکل اموات
مردہ قرار داده کہ در ان رمق زندگی باقی نیست و قطعاً از حال خود خبر نمیدارند چه جائیکہ حال شما بدانند و

نمیدانند که یکدم وقت الله تعالی دوباره زندگی عطا فرموده از قبور بردارند. (سورة النحل، آیت ۲۱) پس جواب میدهند که این قول درست نیست بعد از موت مدفون قبر نه صرف زنده گشته بلکه در قوت تعریف و اختیارش بے آنها اضافه شده حال مایان بنظر عنایت دیده و سلام شنیده حاجت مایان بدرگاه الهی پیش کرده سفارشش میکنند و بغیر وسیله اعرض احوال مایان را به الله تعالی نمی رسد و سفارش آن را رد نمی کند. الله تعالی این شفاعت قهری و شرک و وسیله را مردود قرار داده در سورة یونس میفرماید که الله تعالی را خبر آن تومسین و شافعیان میدهند که بران علم الهی نیست حال آنکه خالق زمین و آسمان بوده ازین شرک شمایان نهایت بلند و بالا است. (سورة یونس، آیت ۱۸) الله را مثال وزیر و پادشاه پیش مکنید بآنکه پادشاه عالم الغیب نبوده برائے معلومات محتاج و وزیر باشد و الله تعالی عالم الغیب را حاجت معلومات از کیسه نیست که بر طاققت ممکن نبوده که الله را به تبدیل فیصله مجبور گردانند بنائے سفارش عدم اختیار و فزوانی علم بوده بصاحب اختیار و بے علم کرده می شود چونکه الله مختار کل و عالم حقیقی است و هیچ کس را بجز حکم و اجازت او یا برائے سخن گوئی و سفارش کردن ممکن نیست امثال وزیر و پادشاه بیان نمودن نامزدان است فقر باین خلق و مخلوق باید دانست **فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ** (سورة النحل، آیت ۳۳) ترجمه: الله را امثال بیان مکنید الله تعالی میداند و شما یان (لے انسانان) نمی دانید پس بے علم بعالم چه خبر دهد و چگونه سفارش کند ازین همه لائل واضح شد که اگر کسی اول ایمان خود از نجاست شرک پاک کرده مطابق سنت نبوی عمل پیرا شده بندگان الله را بطرف او مالک حقیقی دعوت داده و درین راه بر مصائب مبرور زید انشا الله تعالی از آتش و دوزخ نجات یافته داخل جنت کرده خواهد شد اگر از بدعتی اختلاط شرک را یمان باشد بر آن نماز و روزه فرض نبوده و همه اعمالش ناقابل قبول صرف آتش و دوزخ برائے آن فرض گردیده است و اگر ایمان کس باکل صحیح و بحالت درستی ایمان موت واقع شده باشد و عده الهی است که آخر کار همه گناهش معاف فرموده داخل جنت کند اگر چه دروئے زمین پرازانگانه ساخته باشد کامیاب کامران شخصه است که بر زیقا از آتش دوزخ محفوظ و امان بوده داخل جنت گردد و نامرد و ناکام آنکه تا همیشه در ناز جهنم انداخته شود الله تعالی همه بندگان را توفیق تو به عطا فرموده و ایمان مایان از شرک پاک کرده بسنت نبوی صلی الله علیه و سلم قائم داشته بموت همکار فرمایند. آمین.

بیان میدهد و پیش رفت کند و الله از بدعتی موجوده روش با خبر گردانیده و عجب نیست که الله تعالی رحم فرموده نادانستان را با ایمان خالص نصیر ساز کرده رنگ جهان تبدیل فرماید.

بذریعه خط دیگر مکتوبات مایان مفت طلب دارند.



ایک ماسوائے اللہ دگر ہستی محل مشکل قیادت

ایک سوال آدہ اشکال

اکثر حلقہ ہائے مذہبی این سوال کہ آیا ماسوائے اللہ (غیر اللہ) مشکل حل میتواند۔ یا صرف اللہ بران قادر است۔ بہ نہایت زور و شور بلند کرده میشود۔ مگر از منظر یقین کے قایل نمیکرد۔ ذہن یکے انسان ذی شعور بعقل و فراست بہ پہلوئے مختلف این توجہ کردہ میداند۔ کہ چگونہ ماسوائے اللہ دگر ہستی مشکل کشائی میتواند۔ و این سوال دہ انواع مختلف دارد۔ شخصے را شکله در پیش۔ میخواہد کہ از مشکل نجات یابد۔ و ماسوائے اللہ ہستی دگر آواز میدہد کہ مشکل او دور کند۔

۱ : اگر ماسوائے اللہ دگر ہستی کہ حل کنندہ مشکل است۔ در میان مسائل و مشکل کشا دوری ہزاران فرنگ واقع بودہ بحالت زندگی یا بعد زندگی در قبسہ آواز شنیدن میتواند؟

۲ : بالفرض امکان شنیدن آواز از دوری بعید این سوال در پیش آید کہ او ہمہ انواع زبان دنیا واقف است۔ یا نیست مثلاً سرائیکی زبان سرائیکی و جرمن با الفاظ جرمنی و انگریز بتلفظ انگریزی و افغان زبان افغانی آواز دہندہ باشد؟

۳ : اگر این ہم ثابت گردد۔ کہ آن ہستی از ہر زبان دنیا واقف است۔ پس سوال آن پیدا باشد کہ اگر بیک لمحہ صد ہا و ہزاروں سائلان مشکلات خود پیش آرند۔ بیک لمحہ شنید و دانست ہمہ مشکلات ممکن باشد۔ یا ضرورت قطار بندی افتد؟

۴ : آن ہستی را ضرورت آرام و خواب می باشد۔ یا ہمیشہ مستعد و بیدار است۔ اگر ضرورت خواب بیدار د۔ پس سلطان را فراہمی معلومات تعیین اوقات خواب و بیداری می باید۔ تاکہ بوقت بیداری مشکلات خود پیش دارند۔ یا بحالت خواب صم شونده و دانستہ است ؟

۵ : سائل بعارضہ بندش حلق و زبان از گفتن قاصر است۔ و از درون دل مشکل خود پیش میکند۔ آیا آن ہستی بفریاد دل واقف است ؟

۶ : انسان را از پیدائش تا موت ہرگز مشکلات پیش می آیند۔ اگر حل آن تمام مشکلات اللہ تعالیٰ میکند۔ پس بطریق غیر رجوع کردن را ضرورت چیست ؟ و اگر غیر اللہ بجل آن تمام مشکلات قادر است۔ پس بر اللہ چہ حاجت ؟

۷ : اگر غیر اللہ مشکل کشا بجل تمام مشکلات قادر نیست۔ و امکان باشد کہ بعض مشکلات اللہ تعالیٰ میکند۔ و حل بعض مشکلات در اختیار غیر دادہ است۔ پس درین صورت مابین را فہرست معلومات کاملہ می باید۔ کہ بجل کدام مشکلات اللہ تعالیٰ قادر است۔ و حل کدام مشکلات در اختیار غیر دادہ۔ تاکہ سائل مشکل خود بآن ہستی پیش نماید۔ کہ بجل آن قادر باشد ؟

۸ : ما سوائے اللہ آن ہستی کہ مشکل حل میکند مشکل انداختن میتواند۔ یا صرف بجل مشکل مامور است۔ اگر او محض حل کنندہ مشکل است۔ پس مشکل انداز کدام است ؟

۹ : بالاخر نتیجہ برآید کہ اللہ تعالیٰ مشکل انداز است۔ و غیر اللہ مشکل کشا۔ بالفرض یک ہستی بہستائے مشکل مصرودہ۔ و دیگرے بجل مشکل مکرستہ۔ پس از ہر دو کدام ہستی فیصلہ خود واپس گرداند ؟

۱۰ : بیکے برگزیدہ یا گنہگار ہستی بوقت خواندن نماز جنازہ برائے مغفرت او اللہ تعالیٰ را آواز باید داد یا مشکل کشا را ؟

مابین بکتوبات خود قیمت وصول نمی کنیم۔ و نہ بر کسے سلسلہ طاعت و اشاعت آن پابندی عاید می کنیم۔ بذریعہ خط و دیگر کتب از مابین مغفرت طلبدارید۔ مترجم: چرخ زمین۔ مسجد توحید کتبائی ضلع دیوبند
مجد توحید، توحید روڈ، کیمٹری۔ کراچی، فون نمبر: ۲۴۱۸۹۴ - ۲۴۱۳۵۱